

بازار سرمایه

رنگ سبز بورس تهران در آغاز هفته

بازار سرمایه دیروز با ترکیبی از امید و نگرانی آغاز شد که در نهایت با افزایش ۱۳ هزار و ۹۶۳ واحدی شاخص کل، نشانه‌هایی از امیدواری را به نمایش گذاشت. اما فعالان بازار با احتیاط به تحولات نگاه می‌کنند و چشم‌انتظار گزارش‌های مالی و مذاکرات آتی هستند که می‌تواند جهت‌گیری آینده بورس را مشخص کند. با وجود رشد قابل توجه شاخص و افزایش شاخص هم‌وزن، فضای بازار همچنان تحت تأثیر نگرانی‌ها و چالش‌های موجود قرار داشت.

عوامل متعددی در ایجاد این جو متناقض مؤثر بودند؛ از یک‌سو، خبرهای امیدوارکننده‌ای که در آخر هفته منتشر شد، امیدواری‌هایی را در میان سرمایه‌گذاران ایجاد کرد. اما از سوی دیگر، فشار فروش و مشکلات مرتبط با صنعت خودرو، باعث ایجاد اضطراب و عدم اطمینان در بازار شد.

این وضعیت نشان می‌دهد که فعالان بازار همچنان با احتیاط و تردید به تحولات نگاه می‌کنند. هفته پیش رو نیز با تعطیلات خرداد و سخنرانی‌های مهم همراه است که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر روند بازار داشته باشد. مذاکرات آتی، گزارش‌های مالی و تحولات سیاسی منطقه از جمله عواملی هستند که می‌توانند جهت‌گیری بازار را تغییر دهند. بنابراین، انتظار می‌رود که در روزهای آینده، بازار به این تحولات واکنش نشان دهد و سرمایه‌گذاران با دقت بیشتری به دنبال نشانه‌های مثبت باشند.

انتشار گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها در اردیبهشت‌ماه، سیگنال مثبتی به کلبت بازار ارسال کرد و انگیزه سرمایه‌گذاران را برای تکیه بر تحولات بنیادی افزایش داد. با وجود برخی نگرانی‌ها در مورد ناترازی‌ها و قطعی برق، انتظار می‌رود آثار مثبت این گزارش‌ها در گزارش‌های میان‌دوره‌ای آینده نمایان شود. شرکت‌هایی که گزارش‌های خوبی ارائه داده‌اند، به‌وضوح در صفوف خرید دیده می‌شوند و این نشانه‌ای از اعتماد به تحولات بنیادی است. موج توقعات می‌تواند به عنوان یک محرک اولیه عمل کند، اما بدون پشتوانه تحولات بنیادی، ممکن است به‌سرعت از بین برود. بنابراین، ادامه روند مثبت بازار بستگی به پایداری و کیفیت گزارش‌های مالی دارد. نمادهایی که در حال حاضر در کانون توجه هستند، احتمالاً برنده‌های اصلی آینده خواهند بود. وضعیت مبهم صنعت خودرو به عنوان سومین عامل ریسک بازار، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. با وجود برخی اخبار امیدوارکننده، عدم شفافیت در این زمینه می‌تواند به بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران دامن بزند.

سکه امامی	نرخ	درصد تغییر (ساعت ۱۸:۰۰)
سکه تمام پور آذری	۲۲,۴۶۰,۰۰۰ تومان	۰٫۱ ▼
نیم‌سکه	۱۱,۲۳۰,۰۰۰ تومان	۱٫۱۹ ▼
ربع‌سکه	۲,۸۰۰,۰۰۰ تومان	۰٫۲۸ ▼
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۲,۷۱۴,۰۰۰ تومان	۰٫۲۱ ▼
مثقال طلا	۳۷,۸۴۰,۰۰۰ تومان	۰٫۲۲ ▼
اونس طلا	۳,۲۸۹ دلار	-
شاخص کل بورس	۲,۴۴۱,۶۳۲ واحد	۰٫۲۵ ▲

یادداشت

میلاد حمیدی علمداری

کارشناس مسائل پتروشیمی

توسعه صنعتی نامتوازن

و چالش سرمایه انسانی بومی

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش فعالیت صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در استان‌های جنوبی کشور، موضوع اشتغال نیروهای بومی به یکی از مسائل مهم و چالش‌برانگیز اجتماعی و اقتصادی این مناطق تبدیل شده است. مطابق با ماده ۴۷ قانون برنامه ششم توسعه، شرکت‌های فعال در این مناطق موظف‌اند دست‌کم ۵۰ درصد از نیروی انسانی خود را از میان ساکنان بومی جذب کنند.

اما پرسش اساسی این است که آیا این الزام قانونی توانسته به پرورش نخبگان بومی و هدایت تحصیلی و شغلی مؤثر در این استان‌ها منجر شود؟

اگرچه در ظاهر، آمارها حاکی از جذب نیروهای بومی در این مناطق است، اما بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که بیشتر پست‌های تخصصی همچنان در اختیار نیروهای غیربومی قرار دارد. این وضعیت، نوعی «رضایت‌آماری» را شکل داده که در واقع، تحولی واقعی در منابع انسانی بومی ایجاد نکرده است.

ریشه این شکاف نه در ضعف قوانین است و نه الزاماً در مدیریت منابع انسانی شرکت‌ها، بلکه پاسخ اصلی این مسأله را باید در ساختار نظام آموزشی کشور جست‌وجو کرد. نظام آموزشی رسمی، بدون توجه به ویژگی‌های صنعتی، فرهنگی و اقلیمی هر منطقه طراحی شده و فاقد رویکرد توسعه‌محور محلی است. مدارس این مناطق نه‌تنها متناسب با نیازهای صنایع آموزش نمی‌دهند، بلکه در زمینه شناسایی استعدادها، هدایت تحصیلی کاربردی و ایجاد انگیزه در میان مردم شریف و توانمند منطقه نیز ناکارآمد عمل کرده‌اند.

برای کاهش فاصله میان آمارهای رسمی و واقعیت موجود در توسعه منابع انسانی این مناطق، می‌توان اقداماتی را در دستور کار قرار داد:

- بازطراحی نظام هدایت تحصیلی و مهارتی بر اساس تحلیل دقیق نیازهای شغلی هر زیست‌بوم صنعتی؛
- ایجاد مراکز رشد استعداد بومی و راه‌اندازی دانشکدان تخصصی با حمایت مالی و هدایت راهبردی صنایع مستقر در منطقه؛
- مشارکت فعال صنایع در فرآیند مهارت‌آموزی و توانمندسازی نیروهای بومی.

توسعه پایدار صرفاً با ساخت پالایشگاه، کارخانه و جذب سرمایه محقق نمی‌شود. توسعه واقعی زمانی معنا می‌یابد که ساختار آموزشی متناسب با نیازهای منطقه‌ای اصلاح شود و صنایع نیز نقش مسئولانه و آینده‌نگرانه خود را در تربیت و پرورش نیروی انسانی بومی به درستی ایفا کنند.

گزارش

بنابر گزارش جدید مرکز آمار، در حالی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ رشد ۳ درصدی را تجربه کرد که این میزان رشد بازتابی از رونق نفت و رفتارهای غیرمولد اقتصادی بوده است. چنان که رشد اقتصادی بدون نفت ۲٫۱ درصد گزارش شده و افت رشد بخش خدمات کاملاً محسوس بوده است. مرکز آمار از رشد اقصادی سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲، گزارش داده است که تولید ناخالص داخلی، به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ به ۱۰۰ هزار و ۲۶۰ هزار میلیارد ریال با نفت و ۷۶ هزار و ۱۴۰ هزار میلیارد ریال بدون نفت رسیده که نسبت به سال پیش به ترتیب ۳ درصد با نفت و ۲٫۱ درصد بدون نفت رشد نشان می‌دهد. داده‌های ارائه شده از گزارش مرکز آمار حکایت از آن دارد که سال گذشته، با رکود مزمن، تورم فرساینده و وابستگی به درآمدهای نفتی مواجه بوده است.

بررسی جزئیات داده‌های ارائه شده به دو پرسش اینکه «چه بخش‌هایی نقش پیشران داشتند و کدام‌ها ترمز رشد را کشیدند» پاسخ می‌دهد.

کشاورزی: رشد بدون اشتغالزایی

بخش کشاورزی با رشد ۳٫۲ درصدی عملکرد قابل قبولی داشته است؛ آن هم در سالی که خشکسالی، کاهش بارش‌ها، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش بهره‌وری آب، موانع جدی برای کشاورزان ایجاد کرده بود. این بخش که شامل زراعت، باغداری، دامداری، جنگل‌داری و شیلات است، به دلیل پیوند مستقیم با معیشت روستاییان و امنیت غذایی، اهمیت راهبردی دارد. اگرچه رشد مثبت کشاورزی امیدوارکننده است، اما تداوم آن نیازمند سیاست‌گذاری پایدار، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و مدیریت منابع آبی است.

نکته منفی در بخش کشاورزی، افت نرخ اشتغالزایی در این بخش است. به طوری که در پایان سال ۱۴۰۳، تنها از مجموع حدود ۲۴/۵ میلیون نفری شاغلان، ۳ میلیون و ۴۴۵ هزار نفر از آنها در این بخش فعال هستند و نسبت به سال ۱۴۰۲، ۰٫۵ درصد نرخ اشتغالزایی آن با کاهش مواجه شده است.

صنعت:

رشد کند که نفس خدمات را گرفت

بخش صنعت در سال ۱۴۰۳ تنها ۱٫۶ درصد رشد داشته است؛ رقمی پایین‌تر از انتظارات و کمتر از آنچه برای جهش تولید لازم است. رئیس کل بانک مرکزی نیز چندین بار پیش در همایش پولی و بانکی به این موضوع اذعان کرد: «افت رشد بخش صنعت عاملی برای کاهش رشد بخش خدمات بوده است.»

بنابر گفته کارشناسان اقتصادی، کاهش تقاضای داخلی و فشار تورمی بر مصرف‌کنندگان ناترازی در نقدینگی و کمبود سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی، تداوم مشکلات واردات مواد اولیه و ناپایداری نرخ

تحلیل

حسین میرافضلی

کارشناس انرژی

مجموع یارانه‌های برق و گاز که در حال حاضر در بخش خانگی کشور توزیع می‌شوند، سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلار است؛ برق و گاز یارانه‌ای عواقب بسیار سنگینی به دنبال داشته و دارد و برای حل این معضل بزرگ فقط یک راهکار وجود دارد و آن راهکار این است که قیمت برق و گاز مانند سایر کشورهای فقیر و غنی جهان آزاد شوند. از جمله عواقب برق و گاز یارانه‌ای عبارتند از: شدت بسیار زیاد و مهارنشدن مصرف برق و گاز در ایران، ناترازی شدید و روزافزون برق و گاز و سرانه مصرف خانگی بالا نسبت به کشورهای با شرایط مشابه. عدم امکان تأمین مالی و انگیزه برای تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی به دلیل قیمت بسیار نازل گاز تحویلی به نیروگاه‌ها و عدم امکان افزایش قیمت گاز نیروگاه‌ها به دلیل یارانه‌ای بودن برق تحویلی به مصرف‌کنندگان و در نتیجه پایین بودن درآمدان نیروگاه‌ها. گرایش شدید مردم حتی ساکنان مناطق معتدل به خرید کولرهای گازی پرمصرف به دلیل قیمت ارزان برق. عدم تمایل به استفاده از موتورهای کم‌مصرف در کولرهای آبی به دلیل قیمت ارزان برق. مصارف بالای موتورخانه آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی و تجاری و عدم بهینه‌سازی این مصارف بالا به سبب قیمت یارانه‌ای گاز.

خرید بخاری‌های پرمصرف و عدم استقبال از بخاری‌های کم‌مصرف به سبب قیمت یارانه‌ای گاز.

افزایش دمای خانه‌ها تا ۳۰درجه در زمستان

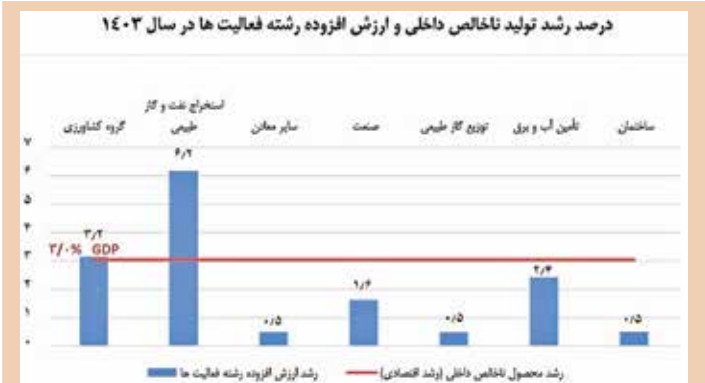
گزارش مرکز آمار از عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ منتشر شد

رشد اقتصادی ب ر بال

رکود صنایع به بخش خدمات سرایت کرد و رشد آن را کاهش داد



سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، افت قدرت خرید، تورم مصالح ساختمانی و کندی



نفت، موتور محرک اقتصاد نیمه روشن

بخش استخراج نفت و گاز طبیعی با رشد ۶٫۲ درصدی، بیشترین سهم را در رشد کل اقتصاد ایفا کرده است. در شرایطی که سایر بخش‌ها با کندی رشد مواجه بوده یا اینکه با توقف رشد روبه‌رو شده‌اند، افزایش فروش نفت و بهبود ظرفیت تولید پالایشگاه‌ها، مهم‌ترین موتور محرک رشد سال ۱۴۰۳ بوده است. به بیانی ساده، اگر نفت از محاسبات کنار گذاشته شود، رشد اقتصادی به ۲٫۱ درصد می‌رسد؛ نشانه‌ای از اینکه بخش عمده‌ای از بهبود ثبت‌شده، حاصل نوسانات بخش نفت است.



برش

ساختمان: تداوم رکود

رشد ۰٫۵ درصدی بخش ساختمان نشان می‌دهد که رکود ساختمانی در سال گذشته ادامه داشته است. این بخش مشکلات واردات مواد اولیه و ناپایداری نرخ

رکود در ساختمان، زنجیره‌ای از صنایع پایین‌دستی مانند فولاد، سیمان، کاشی و سرامیک را هم درگیر کرده و بر اشتغال تأثیر منفی گذاشته است.

افزایش هزینه مصرف نهایی دولت؛ وعده تورمی جدید

همچنین هزینه مصرف نهایی دولت رشد ۳٫۸ درصدی داشته که نشان از بزرگ‌تر شدن بودجه عمومی است که اگر با کسری بودجه همراه شود؛ ممکن است با فشار بر بودجه بر اقتصاد کشور اثر تورمی بگذارد. در این میان مصرف نهایی بخش خصوصی عملاً رشدی نداشته و حتی در زمستان ۱۴۰۳ نسبت به زمستان سال ۱۴۰۲، به منفی یک درصد کاهش یافته است. مصرف نهایی خصوصی به هزینه‌هایی گفته می‌شود که خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار برای خرید کالاها و خدمات نهایی (مثل غذا، پوشاک، مسکن، خدمات درمانی و...) انجام می‌دهند. در واقع، این بخش از مصرف کل اقتصاد، به میزان قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد.

آب، برق و گاز

رشد ۲٫۴ درصدی آب و برق و ۰٫۵ درصدی گاز، با توجه به افزایش جمعیت، مهاجرت داخلی، گسترش شهرها و مصرف بالای انرژی در بخش خانگی و صنعتی، این میزان رشد برای پاسخگویی به نیازهای آینده کافی نیست.

کاهش تشکیل سرمایه؛ رکود فرابگیر

در بررسی رشد بر مبنای اجرای هزینه‌ای تولید ناخالص داخلی، روندی هشدارآمیز دیده می‌شود: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۰٫۸ درصد افزایش یافته و حتی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات رشد ناچیز ۰٫۹ درصدی داشته است. در واقع حتی یک درصد رشد نیز رخ نداده است. به بیان دیگر، اگرچه ظاهراً اقتصاد در حال رشد بوده است، اما زیرساخت‌های این رشد تقویت نشده‌اند.

صادرات جان گرفت، واردات کنترل شد

رشد ۵٫۷ درصدی صادرات کالا و خدمات در سال ۱۴۰۳، در کنار کنترل نسبی واردات (رشد ۰٫۷ درصدی)، باعث بهبود تراز تجاری شده و تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی گذاشته است. با این حال، همچنان صادرات وابسته به نفت و مواد خام است و نشانی از جهش صادرات صنعتی در آن دیده نمی‌شود.

در سال ۱۴۰۳ در کنار رکود سرمایه‌گذاری، رکود در مصرف بخش خصوصی نیز نشانه دیگری از ضعف تقاضای مؤثر در اقتصاد است. خانوارها به‌وضوح با کاهش توان خرید مواجه‌اند و دولت به تنهایی نمی‌تواند این موضوع را حل کند. آنچه مشخص است، رشد اقتصادی زمانی پایدار خواهد بود که بر پایه افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت مصرف خصوصی باشد؛ دو مؤلفه‌ای که حالا در اقتصاد ایران از غایبان بزرگ هستند.

۲- آلودگی هوا به‌شدت کاهش می‌یابد. ۴- ایران به مرور به صادرکننده مهم برق و گاز تبدیل می‌شود.

۵- دمای عمده خانه‌ها در زمستان روی ۱۸ تا ۲۰ درجه تنظیم می‌شود و مردم در ماه‌های سرد در خانه دلباس گرم خواهند پوشید.

۶- بازار کولرهای آبی کم‌مصرف رونق می‌گیرد و بازار کولرهای گازی پرمصرف کم‌رونق می‌شود.

۷- با کاهش مصرف گاز و برق در حوزه خانگی، تجاری و عمومی از تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی و تأمین‌کننده ارز کشور جلوگیری می‌شود.

۸- استفاده از وسایل برقی پرمصرف به ساعات کم‌باری شبکه برق و روزهای تعطیل منتقل می‌شود. ۹- توزیع یارانه‌ها عادلانه‌تر می‌شود و اقشار کم‌درآمد تقویت خواهند شد.

۱۰- رضایت عمومی به مرور افزایش می‌یابد.

۱۱- با افزایش منابع درآمدی دولت، خرید ۲۰۰ هواپیمای مدرن فراهم خواهد شد.

۱۲- با افزایش منابع درآمدی دولت، امکان توسعه زیرساخت‌های قطارهای تندرو فراهم خواهد شد و با توسعه حمل‌ونقل ریلی و هوایی و توسعه حمل‌ونقل عمومی تعداد کشته‌های جاده‌ای از ۱۸ تا ۳۰ هزار به نصف کاهش می‌یابد و از مصدوم و زخمی‌شدن و قطع عضو و قطع نخاع بیش از ۵۰ هزار نفر در سال جلوگیری می‌شود.

۱۳- دلار یارانه انرژی به اتباع غیرمجاز جلوگیری می‌شود.

با اجرای طرح فوق، نقدینگی مستقیمی وارد بازار نمی‌شود و با کارت اعتباری که به همه مردم اختصاص داده می‌شود، اثر تورمی آن تا حد زیادی کنترل می‌شود. این طرح حتی می‌تواند با تأثیر مثبت بر عوامل افزایش تورم منجر به کاهش تورم شود.

با اجرای این طرح، میلیون‌ها نفر در روستاها و شهرهای کوچک و حتی افراد کم‌درآمد در همه نقاط کشور می‌توانند ماهانه درآمد مناسبی داشته باشند و سطح رفاه جامعه مقداری بهبود یابد.

دانشگاه‌ها، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها و سایر خدمات. به تشخیص دولت، امکان برداشت و انتقال پول از این کارت اعتباری تا شش ماه وجود ندارد.

متناسب با اقلیمی که هر مشترک در آن ساکن است و ماه‌های مختلف سال معیار یا سهمیه برق و گاز تعیین و به همه مشترکان برق و گاز اطلاع‌رسانی می‌شود.

مشترکانی که کمتر از سهمیه برق و گاز مصرف کنند، میزان مصرف کمتر از سهمیه با قیمت‌های آزاد در همان روز به حساب اعتباری آنها لحاظ و برایشان پیامک می‌شود و مشترکانی که بیشتر از سهمیه برق و گاز مصرف کنند، مصارف بیشتر با قیمت آزاد محاسبه و به حساب دهگاری ایشان در همان روز اعمال و به ایشان اطلاع‌رسانی می‌شود. در پایان ماه مشترک طلبکار از اعتبار خود استفاده می‌کند و به مشترک به‌هکار دو نوبت یک ماهه دیگر فرصت داده می‌شود با کاهش مصرف طی ماه بعد بدهی خود را جبران نماید.

پس از پایان ماه اعتبار بانکی مشترکان کم‌مصرف به حساب آنها اعمال خواهد شد و مشترکان پرمصرف در آن ماه به‌هکار می‌شوند و مکلف به پرداخت بدهی یا کاهش مصرف در ماه بعد برای جبران بدهی هستند.

مستولیت توزیع و فروش گاز و برق همانند کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا به شرکت‌های توزیع واگذار می‌شود. این شرکت‌ها با بهره‌گیری از تجربیات شرکت‌های مشابه در دیگر کشورها ساز و کار و اقدامات لازم را با کمک ارکان حاکمیت انجام خواهند داد.

نتایج حاصل از اجرای این طرح:

۱- مصرف برق و گاز کاهش و انگیزه‌ها برای اختصاص کارت متصل به این حساب اعتباری به مشترکان برای استفاده در پمپ بنزین، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، پرداخت فیش گاز و برق و پرداخت هزینه‌های

ایجاد حساب اعتباری انرژی

برای همه مشترکین برق و گاز.

اختصاص کارت متصل به این حساب اعتباری به مشترکان برای استفاده در پمپ بنزین، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، پرداخت

فیش گاز و برق و پرداخت هزینه‌های